



شرط پذیرش توبه و بازگشت از گناهان چیست؟/ ویژگی های اولوا الالباب

آیت الله رضائی گفت: فقط پشیمانی از گناه در پذیرش توبه کافی نیست. بلکه باید تلاش جدی برای جبران آن عمل ناشایست نمود.

آیت الله رضائی گفت: فقط پشیمانی از گناه در پذیرش توبه کافی نیست. بلکه باید تلاش جدی برای جبران آن عمل ناشایست نمود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن زیر مشروح خطبه های نماز جمعه این هفته آیت الله رضائی امام و مدیر مرکز اسلامی هامبورگ است که در ادامه می خوانید؛

خدای تعالی در آیاتی از قرآن کریم به اوصاف «اولوا الالباب» - صاحبان خرد و اندیشه‌ی ناب - پرداخته است و به فکر، اندیشه، عقیده، اخلاق و عمل آنها اشاره نموده است. لذا برای کسانی که قرآن را کتاب زندگی می دانند لازم و بلکه ضروریست که نگاه قرآن را، درباره‌ی ویژگی‌های انسان خردمند بدانند.

از بین رفتن بدی ها با انجام شدن خوبی ها

قرآن کریم در ادامه آیات سوره مبارکه رعد، و در تبیین هشتمین صفتی که برای اولوا الالباب می شمرد، می فرماید: «وَيَذَرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ؛ و با حسنات، سیئات را از میان می‌برند؛ پایان نیک سرای دیگر، از آن آنهاست».[۱] مطابق این آیه‌ی شریفه آن‌ها کسانی هستند که با کارهای نیک و مطلوب ذات اقدس ربوبی، اعمال بدی را که ممکن است از روی غفلت مرتکب آن شده باشند را از بین می‌برند.

یکی از معانی محتمل در این آیه‌ی شریفه این است که انسانهای عاقل و خردمند، اگر مرتکب خطائی شوند فقط به پشیمان شدن اکتفاء نمی کنند؛ بلکه درصدد جبران آن برمی آیند. لذا با کارهای نیک خود تلاش می کنند که این بدیها را از بین ببرند. البته احتمال دیگری نیز ممکن است برای این آیه قابل تصور باشد، و آن اینکه صاحبان اندیشه‌ی ناب هیچگاه بدی را با بدی پاسخ نمی دهند. بلکه سعی و تلاش می کنند اگر کسی نسبت به آنها بدی کرده است با انجام خوبی و نیکی در حق وی، او را تربیت کنند. تا فرد خاطی از این پس در نوع برخورد خود تجدید نظر کند.

چراکه خدای تعالی در خصوص این موضوع فرموده است: «إِذْفَعُ بِلَآئِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ بدی را با نیکی دفع کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی است!».[۲] البته ممکن است آیه درصدد بیان هر دو معنا باشد، چراکه در روایات نورانی پیامبر اکرم(ص) و اهل البیت(ع) به مضمون هر دو معنا، اشاره شده است. لذا در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) که به معاذ بن جبل فرموده‌اند آمده است: «إِذَا عَمِلْتَ سَيِّئَةً فَاعْمَلْ بِجَنَّتِهَا حَسَنَةً تَمْحُهَا؛ هنگامی که کار بدی کردی، در کنار آن کار خوبی انجام ده که آن را محو کند».[۳] و همچنین در بیانی نورانی از امیرالمؤمنین علی(ع) در مورد همین موضوع آمده است: «عَاتِبْ أَخَاكَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ ارْزُقْ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ؛ برادرت را در برابر کار خلافی که انجام داده است به وسیله نیکی سرزنش کن! و شر او را از طریق انعام و احسان به او برگردان».[۴]

سیره ی خردمندان پس از ارتکاب خطا و اشتباه

یکی از مسائلی که واضح و روشن است این است که «اولوا الالباب» چون دارای ایمان و خرد هستند، گناه را سم مهلک می دانند. لذا اگر خود یا دیگری بدی انجام دهند، درصدد تربیت خود و دیگری بر می آیند. و سعی می کنند به هر طریقی جلوی تکرار آن بدی و جسارت را بگیرند. به همین جهت بدون هر نوع تأخیر یا کوتاهی، در مقام توبه و بازگشت به حق بر می آیند. زیرا گناه اثر تخریبی در قلب آدمی می گذارد، و سبب کدورت دل و قلب و اختلاف با دیگری می شود، و خود و دیگری را تیره و تار می کند.

لذا اگر این موضوع ادامه پیدا کند سیاهی و کدورت دل، باعث از بین رفتن قابلیت آشتی و فیض‌گیری قلب می‌شود. و گاهی استمرار آن نیز باعث سخت و سنگین شدن راه بازگشت می‌شود. چراکه در روایتی امام باقر(ع) در همین خصوص فرموده‌اند: «مَا مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَ فِي قَلْبِهِ تُكْتَةُ بَيَاضٍ فَإِذَا أَذْتَبَ ذُنْبًا حَرَجَ فِي التُّكْتَةِ تُكْتَةُ سَوْدَاءٍ فَلِنْ تَابَ ذَهَبَ ذَلِكَ السَّوَادُ وَ إِنْ تَمَادَى فِي الدُّثُوبِ زَادَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّى يُغَطِّيَ الْبَيَاضَ فَإِذَا غَطَى الْبَيَاضَ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - كَلَّا بَلْ رَانَ

عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [۵]؛ هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه در دلش نقطه سفیدی است و هر گاه گناهی کند، در آن نقطه‌ی سیاهی پدید آید، اگر توبه و بازگشت نماید، آن سیاهی برود. و اگر در ارتکاب گناهان اصرار ورزد، سیاهی بر سیاهی می‌افزاید. تا آنجا که همه سفیدی دل را می‌پوشاند. و چون آن سفیدی از سیاهی گناهان پوشیده شد، دیگر صاحب آن دل سیاه هرگز به خوبی، صلاح و رستگاری برنمی‌گردد. و این است سخن خدای عز و جل که می‌فرماید: «چنین نیست که آنها می‌پندارند، بلکه اعمالشان چون زنگاری بر دل‌هایشان نشسته است!» [۶]

شرط پذیرش توبه و بازگشت از گناهان

همانطور که در مطالب گذشته اشاره گردید، در پذیرش توبه فقط پشیمانی از گناه کافی نیست. بلکه باید تلاش جدی برای جبران آن عمل ناشایست نمود. و همچنین فرد گناه کار اصرار بر ادامه دادن و انجام دادن آن گناه نداشته باشد. چه اینکه آیه شریفه می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ * أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَ جَتَاتُ تَجْرَى مِنَ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ؛ و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند، یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند؛ و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند - و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟- و بر گناه، اصرار نمی‌ورزند، با اینکه می‌دانند» [۷]

با توجه به مطالب گذشته که در خصوص اوصاف صاحبان خرد ناب طرح گردید، که این اوصاف در سوره ی مبارکه «رعد» از آیه ۱۹ به بعد مورد اشاره ی خدای تعالی قرار گرفته است، بدون شک کسانی که این اوصاف را داشته باشند، به آنها «اولوا الالباب» گفته می‌شود. چراکه در این آیات هشت صفت از ویژگی های آنان تبیین شده است، و در ادامه نیز در خصوص پایان کار این افراد می‌فرماید: آنها عاقبت خوبی در آخرت دارند و از بهشت مخصوص الهی برخوردار می‌شوند: «جَتَاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ * سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ؛ (همان) باغهای جاویدان بهشتی که وارد آن می‌شوند؛ و همچنین پدران و همسران و فرزندان صالح آنها؛ و فرشتگان از هر دری بر آنان وارد می‌گردند (و به آنان می‌گویند): سلام بر شما بخاطر صبر و استقامتتان! چه نیکوست سرانجام آن سرای جاویدان!» [۸]

بهشت مخصوص، پایان کار صاحبان اندیشه و خرد ناب

در قرآن کریم ۱۲۷ بار واژه‌های «جَتَات و جَتَّ» آمده که تنها در یازده مورد از آنها تعبیر به «جَتَاتُ عَدْنٍ» شده است. که بر اساس روایتی که در کتاب «دَرِّ الْمَنثور» آمده است، واژه‌ی مزبور به معنای «بهشت مخصوص» است که «اولوا الالباب» به خاطر ویژگی‌هایی که در خصوص آنان بیان گردید، از آن برخوردارند. [۹]

ویژگی‌های اولوا الأبواب در سایر آیات

قرآن کریم درباره ی خصوصیات و ویژگی های «اولوا الالباب» در آیاتی غیر از آیات سوره ی مبارکه رعد، که بدان اشاره شد؛ می‌فرماید: «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ؛ در سرگذشت آنها درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود!» [۱۰] در این آیه ی شریفه به یکی دیگر از ویژگی ها و خصایص صاحبان خرد ناب اشاره دارد، و در تبیین آن می‌فرماید: این افراد «اهل عبرت و توصیه پذیری» هستند، و داستانهای قرآن را به‌صورت دقیق مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهند و از آن درس عبرت می‌گیرند.

چنانچه از آیه‌ای دیگر استفاده می‌شود که صاحب عقل و خرد ناب، «اهل تهجد و عبادت» است: «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ؛ (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!» [۱۱]

در جای دیگری نیز دربارهٔ آنان می‌فرماید: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ؛ همانها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آن گاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند؛ (و می‌گویند): بار الها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار!» [۱۲] صاحب عقل و خرد ناب بر اساس برنامه‌ی دقیق زندگی که برای خودش ترسیم کرده است، «آینده نگر» است. چراکه قرآن درباره‌ی این ویژگی آن‌ها می‌فرماید: «وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى وَ اتَّقُونَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ؛ و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! و از من بپرهیزید ای خردمندان!» [۱۳] لذا آن‌ها در اثر رعایت احکام الهی برای خود توشه جمع می‌کنند تا آخرت خود را آباد کنند.

سخن پایانی

از مجموعه آیاتی که درباره‌ی ویژگی‌های «اولوا الالباب» عنوان گردید، این اصل مهم به دست می‌آید که آنها بر اساس باورهای خود زندگی می‌کنند، و با آینده‌نگری به مسئولیت فردی و اجتماعی خود عمل می‌کنند، و به خودسازی و جامعه‌سازی می‌پردازند، و درصدد حل مشکلات دیگران نیز می‌باشند. چراکه در وفاداری به عهدها و پیمان‌های خود جدی هستند. آنان اهل نماز و انفاق و صبرند و همه‌ی مسیر زندگی خود را برای رضایت الهی قرار می‌دهند. از اتفاقات تاریخی و آنچه که در گذشته روی داده است، درس عبرت می‌گیرند. و در خلوت خود با پروردگارشان تلاش می‌کنند از قوت روحی بیشتری برخوردار باشند، تا در برابر ناملأئمات و مشکلات بتوانند بایستند و مقاومت کنند.

[۱]. الرعد/۲۲.

[۲]. فصلت/۳۴.

[۳]. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج۶، ص ۴۴۴، تهران، ناصر خسرو، چ سوم، ۱۳۷۲ش.

[۴]. نهج البلاغة، الحکمة/۱۵۸.

[۵]. المطففین/۱۴.

[۶]. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج۲، ص ۲۷۳، ح ۲۰، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ چهارم، ۱۴۰۷ق.

[۷]. آل عمران/۱۳۵ و ۱۳۶.

[۸]. الرعد/۲۳ و ۲۴.

[۹]. ر.ک: سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج۴، ص ۵۷، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چ اول، ۱۴۰۴ق.

[۱۰]. یوسف/۱۱۱.

[۱۱]. الزمر/۹.

[۱۲]. آل عمران/۱۹۱.

[۱۳]. البقرة/۱۹۷.